

## کیفیت حضور در میدان شهری با تأکید بر نمونه‌های سنتی ایران

مهندس جابر دانش\*<sup>۱</sup>، مهندس امیر طیبی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> مربی پژوهش پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاددانشگاهی  
<sup>۲</sup> پژوهشگر پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۶/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۴/۰۵

### چکیده

در فضاهای شهرهای ایران که در طول سالیان متمادی تحت تأثیر آموزه‌ها و الگوهای فکری و هنری اسلام شکل گرفته‌اند، می‌توان عوامل فرمی و معنایی را در کنار کیفیت مرتبط با فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی، از عوامل اصلی شکل دهنده آن‌ها دانست. در این میان، میدان شهری به عنوان مهم‌ترین ظرف فضایی زندگی جمعی در فضای باز شهرها، نقش بسیار والایی در جذب مردم و حضور آن‌ها و نیز ارتقای کیفیت حضور انسانی در شهرها داشته‌اند. این با اتخاذ رویکردی تحلیلی به ادبیات این موضوع و با تحلیل ساختاری مفاهیم و اجزای موضوع، چکیده این مباحث را در تبیین رابطه میان سه‌گانه فضای شهری (میدان)، حضور انسان و شهر سنتی ایرانی بیان کرده و اصول حاکم در شکل‌گیری میدان را مورد تأکید قرار داده است. گفتنی است ارائه و گزینش این مطالب به نحوی است که به راه کارهای تجویزی در این موضوع نزدیک باشد. اگرچه در این نوشته به ارائه راه‌بود و سیاست در زمینه حضور انسانی در میدان شهری پرداخته نشده، لیکن زمینه‌ها و محورهای برای این امر فراهم شده است.

واژگان کلیدی: حضور انسانی، میدان، شهر سنتی ایرانی، فضای شهری.

و تعبیر، «فضای اجتماعی» است که امکان و ظرف فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی را در فضاهای بیرونی شهر فراهم می‌آورد و در تقابل با فضای داخلی و معماری قرار می‌گیرد. در واقع، فضای اجتماعی، عام‌ترین مفهوم و فضای شهری خاص‌ترین این مفاهیم به لحاظ معنایی هستند. در این میان نیز منظور از فضای شهری، آن دسته از فضاهای باز شهری است که همزمان هم ظرف فعالیت‌ها، رویدادها، زندگی و فرهنگ شهری و هم مؤثر بر این فرایندها و محصولات انسانی هستند.

«البته باید در نظر داشت مناطق شهری نقاط عطف جوامع انسانی، مرکز تجمع افراد و اشیا هستند» (مدنی پور، ۱۳۸۴: ۸۸). تفاوت‌های میان جوامع گوناگون در آیین‌ها، خاطره‌های جمعی، آداب و رسوم متفاوت آن‌ها متجلی می‌شود و سیما و محتوای خاصی را به فضاهای شهری می‌دهند و کاربرد و معنای متفاوتی را از فضاهای شهری هر جامعه طلب می‌کنند. ماهیت رابطه شهر با مفهوم «خاطره» به قدری دارای اهمیت است که برای برخی، مبنایی برای تعریف شهر و طراحی شهری بوده است. بنا بر نظر کوپن لینچ، «هیچ عاملی از شهر به خودی خود تجربه نمی‌شود، مگر آن‌که در رابطه با محیطش مشاهده شود، تسلسل وقایعی که سبب بروز و وجود آن گشته، شناخته گردد و در رابطه با خاطره‌های تجارب گذشته باشد» (Lynch, 1960: 1).

خاطرات بر اساس تعداد افرادی که آن‌ها را به خاطر می‌آورند و در زندگی آن‌ها نقش بازی می‌کنند، از حوزه خاطره فردی خارج و به حوزه خاطرات جمعی افزوده می‌شوند. خاطره جمعی به معنای خاطراتی است که گروهی از انسان‌ها در آن سهیم هستند، آن‌ها را به دیگران انتقال می‌دهند و در شکل‌گیری آن دخالت دارند. فصل مشترک خاطرات جمعی و فضاهای شهری، در ماهیت اجتماعی هر دو و نیاز به نقاط مرجع مکانی است. «عوامل عیدیه‌ای در شکل‌گیری و تقویت خاطره جمعی و در ارزش و اهمیت یافتن فضاهایی خاص (اعم از فضاهای منفرد و فضاهای هم‌نام) ایفای نقش می‌کنند. منظور از فضاهای منفرد، فضاهای عمومی است که در مکانی مشخص و به نامی خاص شهرت دارند، مانند تکیه ناسار، باغ فین، میدان امیرچخماق و مانند این‌ها. منظور از فضاهای هم‌نام، مجموعه فضاهای عمومی هم‌نامی است که در مکان‌ها و شهرهای مختلف قرار دارند، اما ویژگی‌های مشخصی دارند و آیین‌های هم‌نام واحدی در آن‌ها برپا می‌شوند؛ مانند تکیه، مسجد، تماشاخانه، باغ و مانند این‌ها.» (نقی زاده، ۱۳۸۹: ۱۰۱-۱۰۰). عواملی مانند انسان - جامعه، زمان - تاریخ، مکان - فضا، آیین‌ها - رویدادها و ویژگی‌های وابسته به آنها، از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری خاطرات جمعی محسوب می‌گردند.

## ۱. بیان مسأله

در این مقاله انسان و حضور او در فضا از اجزای فضای شهری انگاشته می‌شوند، به گونه‌ای که در صورت عدم حضور انسان، از کالبد شهر تلقی فضای شهری نمی‌شود. مفهوم فضای شهری، اختلاطی از ویژگی‌های مکانی فضا و حضور انسان است که بخشی از

موضوع فضای شهری و ساخت آن در تاریخ اندیشه شهرسازی سابقه‌ای طولانی دارد و پیشینه آن را می‌توان تا عهد باستان تخمین زد. مطالعه تاریخ فضای شهری نشان می‌دهد این موضوع در عهد باستان به عنوان محصولی زیباشناختی - عملکردی مطرح بوده است. در آن دوران هیچ تمایزی میان فرم و عملکرد، فرهنگ و طبیعت نبوده و دوگانه‌های فرم - عملکرد، ذهن - عین و انسان - طبیعت محصول اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم و همچنین دوران صنعتی شدن و پس از آن است. این جدایی بازتاب گسست تاریخ علوم، هنرها و فلسفه است. گسست مفهوم زندگی عمومی، ناهماهنگی نهادهای جامعه و پیشی گرفتن نهادهای اقتصادی از سایر نهادهاست. پاتریک گدس این جدایی را به گونه‌ای منطقی ناشی از مرحله‌ای از زندگی انسان‌ها می‌داند که هنوز زندگی مؤثر و فعالی تحقق نیافته است؛ زندگی‌ای که عناصر اصلی آن عقل، هنر، سیاست، نمایش، حرکت، هماهنگی زندگی و شروع تاریخ انسان‌ها و مانند آن است. به نظر وی فضای شهری به واقع زمانی زاده می‌شود که عناصر فوق در آن زایش یابند (پارسی، ۱۳۸۱: ۴۲). بنابراین، فرهنگ و عناصر وابسته به آن نه تنها از اجزای معنایی فضای شهری محسوب می‌گردند، بلکه لازمه ایجاد و زایش فضای شهری هستند. بر این اساس شهر و فضاهای حضور مردم، بیانگر اندیشه‌ها و عقاید آن‌ها و تعاملات فرهنگی میان آن‌ها و شکل آن بیانگر کارکرد و معنای آن است.

فضاهای شهری زمینه مشارکت و تعامل مردم را فراهم آورده و جریانی از فرهنگ، اندیشه و تجربه‌های انسانی را برقرار ساخته است. بنا به نظر فرانسواز شوای، شهرسازان فرهنگ‌گرا در تقابل با شهرسازان ترقی‌گرا، در پی رواج گفتمانی انسانی‌تر درباره شهر و فضای شهری بوده‌اند که در آن به انسان، زیبایی‌شناسی، کلیت ارگانیک شهر و ارتباط با طبیعت شاخص توجه شود (شوای، ۱۳۸۴). افرادی چون راسکین، موریس و هاوارد از جمله اولین فرهنگ‌گرایان به شمار می‌روند و افرادی چون گدس، مامفورد، جیکوب، لینچ و الکساندر با رویکرد انسانی به شهر و تقابل با الگوی ترقی‌گرا در شهرسازی را می‌توان از هم داستانان با رویکرد و الگوی فرهنگ‌گرا در شهرسازی به شمار آورد.

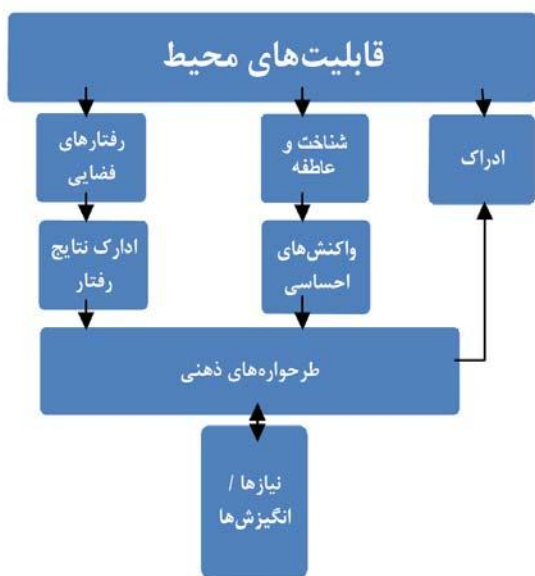
به طور کلی شهر سیستمی مادی و معنوی است که به نیازها، فعالیت‌ها و رفتارهای ساکنان پاسخی فضایی می‌دهد. انسان‌ها نیز بر اساس نیازهای فردی یا گروهی و الگوهای رفتاری خاص خود در شهر حضور می‌یابند و فضایی شهری را شکل و حتی تغییر می‌دهند؛ به عبارت دیگر شهر و فضاهای مختلف آن بستر یا ظرفی هستند برای این‌گونه اتفاق‌ها؛ بالتبع فضاها و ویژگی‌های آن‌ها، وابستگی شدیدی به نحوه فعالیت و الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان آن‌ها دارند. البته همان‌طور که اشاره شد این رابطه یک‌طرفه نیست. همان‌طور که فضاها از یک سو، آینه تمام‌نمای فعالیت‌ها و الگوهای رفتاری جامعه هستند از سوی دیگر بر فعالیت‌ها و رفتارهای ساکنان خود، تأثیری گذارند (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۷۶).

تعبیر مرتبط با فضای شهری در عین تفاوت‌ها، دارای مشابهت‌هایی اساسی نیز هستند. مفهوم مرکزی مشترک در تمام این مفاهیم

نابسامانی وضعیت اکثر میادین شهری امروز ایران، تنها عارضه‌های کالبدی نیست، بلکه تنزل کیفیت میادین به تغییر کمی و کیفی دسته‌های ادراکات و رفتارهای اجتماعی منجر می‌شود که ویژگی‌های فرهنگی زندگی شهری از آن تأثیر می‌گیرند. بنابراین ضرورت توجه به چنین مطالعاتی به دلیل اهمیت هدایت فرهنگی و هویت جامعه شهری است. در این باره ضرورت تقویت ارتباط مراجع اجرایی با مراجع علمی و پژوهشی امری قابل تأکید است. در ادامه و در تحلیل کیفیت حضور انسانی در میادین شهری عناوین سه‌گانه حضور انسانی در شهر، کیفیت مرتبط با حضور انسان در شهر و میدان و حضور در میدان شهرهای سنتی ایرانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲. حضور انسانی در شهر

امروزه کار طراحان محیط به میزان زیادی تحت نفوذ مفاهیم مرتبط با ماهیت انسان است. این تأثیر و نفوذ در طول تاریخ متفاوت بوده است. در مقاطعی از زمان مردم خود را آزاد و در زمان‌هایی دیگر تحت کنترل محیط می‌بینند. به هر حال، محیط برای تأمین تجربه‌ها و رفتارهای انسان توان بالقوه‌ای دارد. فرایندهای اساسی تعامل انسان و محیط در نمودار شماره (۱)، نشان داده شده است. اطلاعات محیط از طریق فرایندهای ادراکی به دست می‌آید که به وسیله طرح‌واره‌های ذهنی برانگیخته شده و توسط نیازهای انسانی هدایت می‌شوند. این طرح‌واره‌ها تا حدودی فطری و تا حدودی آموختنی هستند و پیوند ادراک و شناخت را برقرار می‌سازند. طرح‌واره‌ها نه تنها فرایندهای ادراکی، بلکه واکنش‌های احساسی (عاطفی) و اعمال (رفتار فضایی) را هدایت می‌کنند و در مقابل، این فرایندها و واکنش‌ها نیز طرح‌واره‌های ذهنی را به عنوان حاصل رفتار ادراک شده تحت تأثیر قرار می‌دهند. احساس‌ها و کنش‌های انسانی، توسط قابلیت‌های محیط طبیعی و ساخته شده محیط فرهنگی و شخصیت درونی انسان محدود می‌شوند (لنگ، ۱۳۸۸: ۹۵).



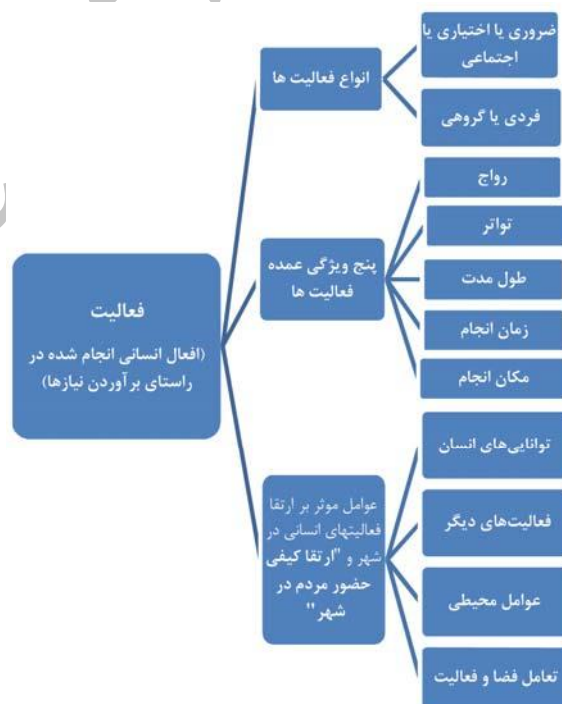
نمودار شماره ۱: فرایندهای بنیادین رفتار انسان (منبع: لنگ، ۱۳۸۸: ۹۵)

مسائل مربوط به حضور انسان، خصوصیات ادراکی و رفتاری اوست. در نظر گرفتن فضای شهری به عنوان کالبد، بیش از هر چیز فضا را در جایگاه یک فرض موجود و قابل توصیف قرار می‌دهد تا امری مستعد تغییر و پویایی. حال آن‌که حضور انسانی، به عنوان جزء فضای شهری، ایجاد پویایی در فضا را در پی دارد. به گونه‌ای که با حضور و بروز رفتارها، فضای شهری، در لحظه در حال ایجاد شدن است و این پویایی و سرزندگی جلوه‌ای از اکنون را در فضای شهری نمودار می‌کند؛ در حالی که فضا بدون حضور انسان، نمودی از گذشته و تاریخ است.

اما مسأله این است که چگونه بین ارکان فضای شهری (انسان و کالبد فضا)، به لحاظ کیفی ارتباط مطلوبی به لحاظ کیفی برقرار می‌شود؟ موضوع مقاله با تحدید فضای شهری به گونه‌ای خاص مطرح می‌شود. شهرهای امروز مشتمل بر فضاهایی متنوع مانند خیابان، میدان، پارک‌ها و احتمالاً باغ‌ها و بوستان‌ها هستند. این واژه‌ها گاه در دوره‌های تاریخی مختلف، بار معنایی متفاوتی داشته‌اند که از آن جمله می‌توان به میدان اشاره داشت. میادین در میان فضاهای شهری جزء فضاهای اصلی و مهم و محلی برای جمع آمدن و حضور مردم هستند. درصد سال اخیر و با تغییر سیستم‌های حرکت شهری و بزرگ شدن مقیاس، شهرها دستخوش تغییرات زیادی شده‌اند. هر چند وجود میدان به لحاظ کمی در شهرها افزایش یافته، اما جایگاه میدان در میان دیگر فضاهای شهری و کیفیت حضور مردم در آن به شدت آسیب دیده است. در واقع شهرها نیز به دنبال این آسیب، از ویژگی‌های خاص میادین که اتفاقاً شهرهای کهن و تاریخی ایرانی از آن بهره‌مند بودند، بی‌بهره شدند. به دنبال آن دسته‌ای از ادراکات و رفتارهای شهری نیز کمرنگ‌تر شد و یا حتی از میان رفت. مسأله مؤثر شدن ادراکات و رفتارها از تغییر مفهوم میادین شهری، امری است که با فرهنگ و هویت این مرز و بوم در ارتباط است و هنگام طرح بحث بحران هویت، باید هشیارانه آن را در بافت کنونی شهرها علت‌یابی کرد. لذا در این نوشتار مسأله پرداختن به کیفیت حضور مردم در میادین شهری مد نظر است تا از این گذر، روشی برای بازخوانی ویژگی‌های میدان ایرانی تدوین گردد.

میادین نقش بسیار پررنگی در ذهن شهروندان دارند و یکی از عناصر خوانایی و شناسایی بسیار مهم شهری هستند، به طوری که از نظر بسیاری، میدان در کنار خیابان، یکی از دو المان مفهومی و منطقی بنیادین شهر را تشکیل می‌دهد. میدان محل و نماد سکون، جمعیت‌پذیری، فراخی و مقصد است، در حالی که خیابان نماد حرکت، انتقال جمعیت و مسیر و شریان جریان‌های انسانی در شهر است. از طرف دیگر میدان به عنوان بهترین مصداق برای تعریف فضای شهری به عنوان ظرفی برای حضور مردم و فعالیت‌های آنان است که برای ظهور این معنا به بهترین وجه در آن، به پیوستگی کالبدی و عملکردی نیاز است. بدین ترتیب پرداختن به میدان، به عنوان صحنه اصلی حیات اجتماعی و محل گردهم آمدن و مرتبط با جایگاه و کیفیت حضور مردم، ضروری است. این در حالی است که تنزل کیفیت حضور انسان در میادین شهری امروز ایرانی و کاسته شدن از بار معنایی و عملکردی آن کاملاً محسوس و هویداست. البته

برای «شناسایی و دسته‌بندی فعالیت‌های انسانی در فضای شهری و ارتباط آن‌ها با فضای شهری» ( نمودار شماره ۲)، باید اشاره داشت که به تمامی افعال انسانی که جهت تحقق یکی از نیازهای او انجام می‌گیرند، فعالیت گفته می‌شود. علی‌رغم تنوع زیاد رفتارهای انسانی، می‌توان آن‌ها را از طریق تشابه در جنبه فیزیکی آن‌ها یا اشتراک در برآوردن نیاز، در بسته‌های کوچک‌تری دسته‌بندی کرد و به آن یک فعالیت خاص نسبت داد. فعالیت‌ها را می‌توان به دو طریق جبری یا اختیاری و براساس عاملان آن تقسیم‌بندی نمود (پاکزاد، ۱۳۸۴: ۴۱). بیان گل فعالیت‌ها را بر اساس جبری یا اختیاری بودن در سه گروه تقسیم کرده است: الف) فعالیت‌های ضروری، کمابیش اجباری هستند و شامل فعالیت‌های روزمره مردم چون آمد و شد به محل کار و مدرسه یا خرید کردن می‌شوند و فرد در هر شرایطی ناگزیر به انجام این فعالیت‌هاست. ب) فعالیت‌های انتخابی که جنبه حیاتی ندارند و در شرایطی انجام می‌گیرند که زمینه مطلوب برای آن‌ها فراهم باشد، در غیر این صورت افراد الزامی در انجام آن‌ها نمی‌بینند، مانند فعالیت‌های تفریحی. ج) فعالیت‌های اجتماعی که انجام این فعالیت‌ها منوط به حضور افراد دیگر در فضا است و اصولاً خارج از صورت جمعی امکان‌پذیر نیستند، مانند فعالیت‌های نمایشی، مراسم عزاداری، تظاهرات و ... (Gehl, 1987: 4-11).

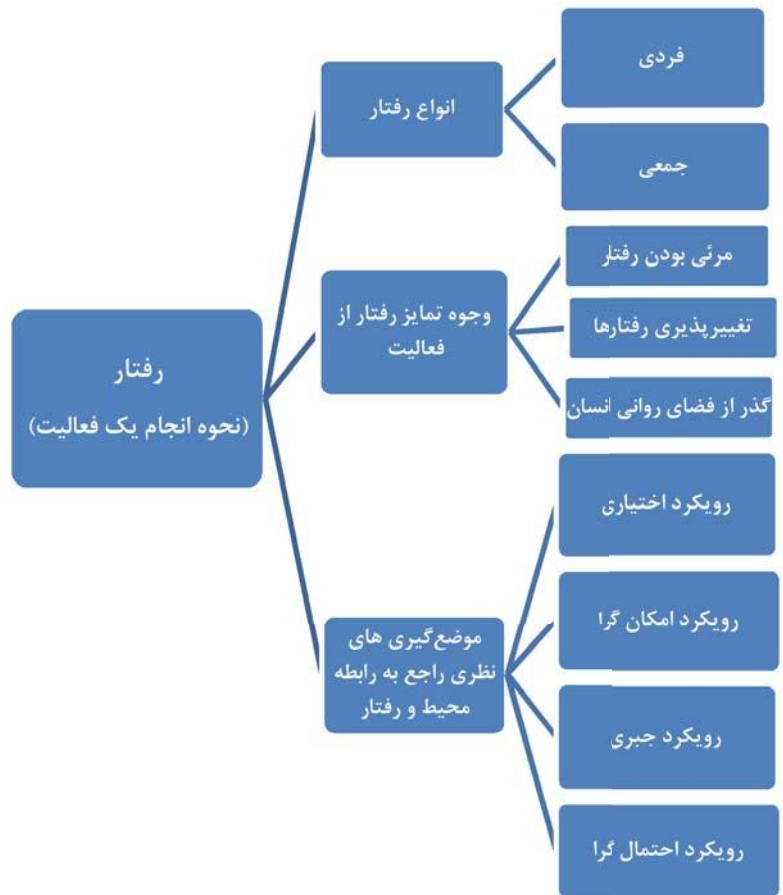


نمودار شماره ۲: فعالیت‌های انسانی در فضای شهری (منبع: نگارندگان)

فعالیت‌ها را از نظر عاملان می‌توان در دو گروه اصلی فعالیت‌های فردی و گروهی جای داد. فعالیت‌های مختلف صرف‌نظر از نوع آنها دارای ویژگی‌هایی هستند که حداقل می‌توان به پنج ویژگی عمده آن مانند رواج، تواتر، طول مدت، زمان انجام و مکان انجام فعالیت اشاره کرد. همچنین عوامل مؤثر بر ارتقای ویژگی‌های فعالیت از دیدگاهی کلی، یا انسانی‌اند و یا محیطی. عوامل انسانی، توانمندی‌های بیولوژیک انسان و سایر فعالیت‌های وی را به موازات

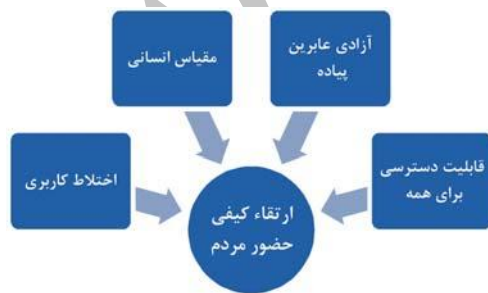
فعالیت مورد نظر در برمی‌گیرند و عوامل محیطی، هم به صورت طبیعی و هم مصنوع در نظر گرفته می‌شوند. این عوامل را به تفکیک می‌توان در چهار گروه تأثیر توانایی‌های انسان بر انجام فعالیت، تأثیر فعالیت‌های دیگر بر وقوع فعالیت، تأثیر عوامل محیطی بر فعالیت‌ها و تعامل فضا و فعالیت، مورد بررسی قرار داد (پاکزاد، ۱۳۸۴: ۴۷-۴۲). نحوه انجام هر فعالیت را رفتار گویند. رفتار انسانی برآیندی از انگیزه‌ها و نیازهای فرد، قابلیت محیط، تصویر ذهنی فرد از دنیای خارج ناشی از ادراک او و معنایی است که این تصویر برای او دارد (لنگ، ۱۳۸۸: ۹۵). بنابراین هر فعالیت تحت تأثیر شرایط فوق، می‌تواند اشکال مختلفی به خود گیرد و رفتارهای متنوعی را باعث شود. رفتارها، چه رفتارهای فردی و چه نمونه‌های جمعی، دارای ویژگی‌هایی هستند که آن را از فعالیت متمایز می‌سازد. در این باره حداقل باید به سه ویژگی مرئی بودن رفتار، تغییرپذیری رفتارها و گذر از فضای روانی انسان اشاره نمود (پاکزاد، ۱۳۸۴: ۵۱-۵۰).

در مورد رابطه محیط و رفتار، چهار موضع‌گیری نظری از قبیل رویکرد اختیاری، رویکرد امکان‌گرا، رویکرد احتمال‌گرا، و رویکرد جبری قابل تشخیص است (نمودار شماره ۳). رویکرد اختیاری معتقد است که محیط هیچ اثری بر رفتار انسان ندارد. با توجه به این که برای رفتار انسان محدودیت‌های جدی مانند بعضی از ویژگی‌های زیست‌شناختی وجود دارد، رویکرد اختیاری غیرقابل دفاع است. امکان‌گرایان محیط را تأمین‌کننده رفتار انسان و کمی بیش‌تر از آن می‌دانند. این رویکرد محیط را شامل مجموعه‌ای از فرصت‌های رفتاری می‌داند که بر طبق آن ممکن است عملی رخ داده یا رخ نداده باشد. تحلیل رفتارهای انسان نشان می‌دهد که مردم به اندازه‌ای که امکان‌گرایان فرض می‌کنند در رفتار خود آزادی عمل ندارند. هر فردی مجموعه‌ای از انگیزه‌ها و شایستگی‌ها را در خود دارد که حداقل بخشی از آن توسط محیط‌های جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی تعیین می‌شود. براساس اعتقاد به جبرگرایی، وقتی که مردم آزادانه عمل می‌کنند، در واقع تحت کنترل توارث و محیط هستند. جبرگرایی محیط که شاخه‌ای از نظریه تکامل است، محیط را تعیین‌کننده اصلی رفتار انسان می‌داند. در این نظریه، محیط به معنای محیط جغرافیایی یا زمینی فرض شده است. معتقدان به جبرگرایی، کارکرد محیط ساخته شده را نیز این‌گونه فرض کرده‌اند. رویکرد جبری، رابطه محیط - رفتار را رابطه‌ای علی می‌داند و عقاید نهضت معماری جدید (مدرن) بر پیش‌فرض‌های جبرگرایانه بنا شده است. در حالی که محیط پر از قابلیت‌هایی برای رفتار انسان است و ادراک محیط و استفاده از آن وابسته به نیازها و شایستگی‌های فردی است (لنگ، ۱۳۸۸: ۱۱۴). محیط دارای ویژگی‌های جغرافیایی، کالبدی و فرهنگی است که با هم رابطه‌ای درونی دارند و به بعضی از رفتارها اجازه ظهور می‌دهند. مجموعه‌ای از قابلیت‌های محیط در موقعیتی ویژه، محیط بالقوه‌ای را برای رفتار انسان در آن مکان ایجاد می‌کند. تمام این قابلیت‌ها توسط مردم ادراک نمی‌شوند و از تمام قابلیت‌های ادراک شده نیز استفاده نمی‌گردد. وضعیت مردم، انگیزش‌ها، تجارب،



نمودار شماره ۳: رفتارهای انسانی در فضای شهری (منبع: نگارندگان)

مدل‌هایی چون فرم، معنا و فعالیت که با لحاظ بخش فعالیت و معنا در آن‌ها، بعد انسانی را از شاکله‌های اصلی مکان و مکان شهری می‌دانند. در این بخش به دنبال روشن کردن ابعادی از حضور انسانی در شهر، برخی کیفیت‌های مشوق و تقویت‌کننده حضور انسانی در شهر چون اختلاط کاربری، مقیاس انسانی، آزادی عابران پیاده و قابلیت دسترسی برای همه مطرح می‌شوند (نمودار شماره ۴).



نمودار شماره ۴: کیفیت‌های عمده تقویت‌کننده حضور انسانی در شهر از نظر تیبالدز (منبع: نگارندگان)

ارزش‌ها و هزینه-پاداش قابل دریافت مردم از شرکت در فعالیت‌ها و یا تفسیر زیباشناختی آن‌ها از محیط اطراف، میزان استفاده از محیط را تعیین می‌کند. فرایندهای ادراک، شناخت و رفتار فضایی تحت تاثیر شایستگی‌های فردی و گروهی و ساختار محیط ساخته شده‌اند. انسان مخلوقی تطبیق‌پذیر است، اما ادراک وی از محیط تحت تأثیر اموری است که با آن انس گرفته است. در عین حال باید توجه داشت که مردم با شرایطی که «ارزش‌های انسانی» را تهدید به تخریب می‌کند، نیز تطبیق پیدا می‌کنند.

### ۳. کیفیت مرتبط با حضور انسان در شهر و میدان

فضای شهری مکان اصلی وقایع و حوادثی است که نقشی خلاق در پیوند امروز با فردا را سامان می‌دهند. فضای شهری مکان آمد و شد میان گذشته، حال و آینده است. این فضا در برگیرنده چهار عنصر اساسی شامل ساکنان یا عابران، عناصر انسان ساخت (کالبدی یا فعالیتی)، روابط (میان افراد و عناصر یا میان عناصر) و زمان است (حیبیسی و مقصودی، ۱۳۸۲: ۱۰). در این میان، اصلی‌ترین عامل شکل‌دهنده و تعریف‌کننده فضای شهری، انسان و حضور او است. انسان، هم فضای شهری را می‌سازد و هم در آن حضور می‌یابد و به فعالیت می‌پردازد. در مدل‌ها و تعاریف گوناگونی که از فضا و مکان شهری شده است، انسان و حضور او از شاخصه‌های اصلی معرف مکان محسوب می‌شوند؛ از مدل دو قطبی فرم-معنا (محتوا) که در قطب معنایی آن انسان و حضور انسانی مستتر است تا

از دیدگاه صاحب‌نظران مسائل طراحی محیطی، شهرها و محیط‌های شهری را می‌توان بهترین و ارزش‌مندترین دستاوردهای فن‌شناختی، هنری، فرهنگی و اجتماعی انسان‌ها در طی قرون متصادم قلمداد کرد. عرصه‌های عمومی مهم‌ترین بخش شهرها و محیط‌های شهری هستند، زیرا در چنین عرصه‌هایی بیش‌ترین

تماس، ارتباط و تعامل بین انسان‌ها رخ می‌دهد. این عرصه‌ها تمام بخش‌های بافت شهری را که مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند، همچون میادین، خیابان‌ها، پارک‌ها و چهارراه‌ها و حتی ساختمان‌های محصورکننده آن‌ها را شامل می‌گردند.

بنا بر نظر فرانسویس تیبالدز امروزه، ما شاهد تنزل عرصه‌های عمومی شهرها هستیم. بسیاری از شهرها و شهرستان‌ها در کشورهای مختلف جهان به محل‌هایی پرخطر تبدیل شده‌اند. مکان‌هایی کثیف و مملو از آشغال و زباله، پوشیده از اعلامیه و شعارهای دیواری، هوای آلوده، ترافیک و سروصدای سرسام‌آور، انبوهی از ساختمان‌های هم‌شکل در حد متوسط و غالباً نازیبا که به خوبی مرمّت نشده‌اند و به انسان دهن کجی می‌کنند. مکان‌هایی ناامن که شب هنگام کارتن خواب‌ها برای خوابیدن در راهروها و زیرگذرها به آن‌ها پناه می‌برند و هنگام روز در همان جا به گدایی می‌پردازند (تیبالدز، ۱۳۸۷: ۱۵). از نظر او بیش‌تر ساختمان‌ها و فضاهای شهری به جای گفتن «خوش آمدید...» و دعوت برای ورود، مردم را از خود رانده و می‌گویند: «بروید گم شوید!...». اکنون، ساختمان‌ها و شهرها برای برخی افراد تنها، ابزارهای کسب درآمد به شمار می‌روند.

اما در پاسخ به سؤال «چگونه می‌توان کیفیت حضور مردم را تقویت کرد؟» یکی از چند عامل عمده‌ای که از اجزای پاسخگو به این سؤال است، ماهیت فعالیت‌های جاری در شهر یا محیط شهری و میزان ادغام آن‌ها با یکدیگر است. در زندگی شهر یا محیط شهری، کاربری‌ها و فعالیت‌ها از ساختمان‌ها مهم‌ترند. افزایش تنوع باعث می‌شود شهر محیطی پویاتر و شاداب‌تر داشته باشد. «شهرها و محیط‌های شهری، چیزی فراتر از مجموعه‌ای از ساختمان‌ها هستند که توسط خیابان‌ها و یا پارک‌ها از هم جدا شده باشند. بدون شک، شهرها برای مردم و درباره مردم هستند. آن‌ها فعالیت‌های مردم را در خود جای می‌دهند. بنابراین هر اندازه که تنوع و کارایی بهتری داشته باشند، وجود کیفیت شهروندگرایی در آن‌ها متحمل‌تر خواهد بود. این واقعیت که شهرهای باستانی پیرامون یک فضای عمومی باز ساخته می‌شدند، به هیچ وجه اتفاقی و تصادفی نبوده است.» (پیشین: ۴۷) بنابراین خلق محیط‌های چند منظوره با ماهیتی غنی و متنوع در حال حاضر جزء مهم‌ترین وظایف طراحان محیط‌های شهری است، خصوصاً در زمان ما که در اثر دیدگاه‌ها و فعالیت‌های طراحان و معماران مدرن و ساده کردن بیش از حد کاربری‌ها و فعالیت‌ها و ساخت ساختمان‌های یکدست و یک شکل، این کیفیت در ساخت و سازهای جدید کم‌رنگ یا محو شده است.

کیفیت بعدی که نقشی مهم در تقویت حضور مردم در شهر دارد، توجه به مقیاس انسانی در طراحی و ساخت محیط‌های شهری است. محیط‌های شهری برای انسان‌هاست، نه برای اتومبیل‌ها، کامیون‌ها و پروژه‌های بزرگ. به عقیده ورگن کنیرش، میادین شهری محل‌های ملاقات‌های روزانه مردم‌اند و باید صفحه‌ای برای نمایش، بازی، برگزاری مراسم، جشن‌ها و مکانی برای برپایی بازارها و متناسب با این فعالیت‌ها و با توجه به انسان و مقیاس کالبدی و روانی او طراحی شوند (کنیرش، ۱۳۸۸: ۲). اما راه یافتن

جاده‌های جدید به داخل بافت شهر باعث شده که بیش‌تر فضاهای خالی، زمین‌های بلامصرف، پارکینگ‌های موقت، ساختمان‌هایی با جهت نادرست نما و یا با عقب‌نشینی بیش از حد نسبت به امتداد جاده، مانند لکه‌ها و زخم‌هایی در پیکره شهر نمایان شوند. چنین مکان‌هایی ناخوشایند و زشت هستند، چرا که فاقد مقیاس انسانی یعنی ویژگی حیاتی برای محیط‌های شهری موفق هستند (تیبالدز، ۱۳۸۷: ۶۴). این خصوصیات حیاتی اجتماعی در طراحی فضاهای مختلف شهری از جمله میادین شهری و در کنار ابعاد فرمی و زیبایی‌شناختی رخ می‌نماید. به اعتقاد زوکر، ویژگی‌های بصری میدان، برخلاف اثر پیکره‌ساز یا نقاش و یا حتی یک اثر بی‌همتای معماری، بیانگر ویژگی‌های دوره تاریخی ویژه‌ای نیست؛ زیرا هر چند میدان به مانند یک ارگانسیم زنده با تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی دگرگون می‌شود، اما جوهره اساسی آن، در واقع فضا و نقشی است که در سازمان فضایی شهر بازی می‌کند. با این حال او پافشاری می‌کند که در مرحله تحلیل و یا طراحی فضاهای شهری، باید به جنبه‌های تاریخی - اجتماعی و فعالیت‌های جاری در فضا توجه کامل نمود و نباید تنها بر جنبه‌های زیباشناختی و شکلی تکیه کرد (Zucker, 1970: 9).

هنوز هم موانع زیادی در برابر آزادی عابران پیاده وجود دارد که بیش‌تر آن‌ها از شیوه مدیریت ترافیک و چگونگی ساخت و قرارگیری ساختمان‌ها سرچشمه می‌گیرد. در مراکز بیش‌تر شهرها، هم عابران پیاده و هم دوچرخه‌سواران با خطرهای جدی روبه‌رو هستند. در کنار خطرهای مربوط به تصادف، سروصدا و دود نیز برای افراد ناخوشایند و می‌تواند مشکلات بلند مدتی برای سلامتی آنان به وجود آورد. علائم راهنمایی و رانندگی کم‌تر به نفع عابران پیاده عمل می‌کند؛ عابرانی که برای رهایی از خطر اتومبیل‌هایی که برای عبور قبل از تغییر چراغ با سرعت در حال گذر هستند، تنها چند ثانیه فرصت می‌یابند. حتی در محیط‌هایی که به عابران پیاده اختصاص دارند، موانعی به اشکال گوناگون (تیرها، تیرک‌ها، نرده‌ها، صندلی‌ها، سطل زباله، عناصر تبلیغاتی، خودروهایی که قسمتی از آن‌ها یا کاملاً در پیاده‌رو پارک شده، گیاهان کاشته شده و لوله‌ها، کف‌سازی خراب شده، چاله‌ها، زباله‌ها و حتی حفرة‌های بزرگ) در راه عابران پیاده قرار دارند (پیشین: ۷۵). بسیاری از شهرها و محیط‌های شهری را می‌توان از طریق ایجاد آزادی برای عابران پیاده، انسان‌گراتر نمود.

نکته آخر این که، زمانی که ساخت و ساز جدیدی در شهرها صورت می‌گیرد، باید تا حد امکان هدف اصلی آن بهبود و ارتقا بهداشت و آسایش عمومی شهروندان باشد. بسیار مهم است اگر بتوان قدرت انتخاب و تنوع در دسترسی به فعالیت‌ها، منابع، اطلاعات و مکان‌های گوناگون را برای تمام اقشار جامعه فراهم ساخت. محیط‌های شهری باید برای همه بدون توجه به سن، توانایی، سوابق و درآمد قابل دسترسی باشند و بتوانند قدرت گزینش را در دسترسی به فعالیت‌ها، ساختمان‌ها و منابع مختلف برای همگان پدید آورند. این محیط‌ها نباید در راستای نیازهای خاص رانندگان وسایل نقلیه موتوری، یا نیازهای قشرهای خاصی

از جامعه پدید آیند(همان: ۸۵). این بخشی از معنای همه شمولی یا قابلیت دسترسی برای همگان است.

ساکنان شهر و گردشگران، جوایب تنوع و قدرت انتخاب هستند و می‌خواهند فعالیت‌هایی متنوع را تجربه کنند، اشیایی را تماشا کنند، به مکان‌هایی بروند، خرید کنند و به هر سویی سرک بکشند. هر دو گروه یاد شده نیاز به تفاوت و تنوع در فضاهای شهری دارند؛ به بیانی دیگر می‌خواهند مکان‌هایی را ببینند و کارهایی را انجام دهند که با شیوه روزمره زندگی و کارشان متفاوت باشد. بر این اساس، هر شهر یا محیط شهری، ضمن این که باید پاسخ‌گوی این نیازهای گسترده و متنوع باشد، در عین حال باید بتواند ماهیت منحصر به فرد و یگانه خود را نیز حفظ کند. امکان دسترسی بیست و چهار ساعته به محیط‌های شهری و از بین بردن موانع در محیط‌های شهری از اجزای دیگر همه شمولی فضاهای شهری و در جهت تقویت حضور مردم در شهر است. بازارها و مراکز خرید که هنگام شب و روزهای تعطیل بسته می‌شوند، محیط‌های شهری را به نابودی می‌کشانند. از سوی دیگر ساخت و سازهای جدید باید به گونه‌ای باشند که حرکت و دسترسی بین خیابان‌ها و مکان‌های مجاور را آسان کنند. علاوه بر این، باید از هر فرصتی برای از بین بردن موانع در محیط‌های شهری و قابل دسترس کردن آن‌ها برای همگان استفاده کرد(همان: ۸۶-۸۸). این در حالی است که فضاهایی با مالکیت عمومی، دارای بیشترین گستردگی مقیاسی، بیشترین استفاده‌کننده در شهرها و بیشترین سهم در حیات جمعی شهروندان هستند. از این رو ارتقا کیفی این دسته از فضاها نسبت به سایر فضاها در اولویت قرار دارد. هر چند امروزه مجموعه‌های شهری، دارای فضاهای بی‌شکل و ضد فضایی می‌باشند که در آن‌ها فضاهای غیرقابل استفاده، رها شده و فراموش شده به چشم می‌خورد که فضاهای گمشده نامیده می‌شوند (Trancik, 1986:3).

با ایجاد این کیفیات در محیط‌های شهری، شاهد بازگشت به مفاهیم شهرها و محیط‌های شهری دوست‌داشتنی گذشته در شهرسازی خواهیم بود. با این جهت‌گیری دوباره، مقیاس انسان پیاده برای رسیدن به مکان‌هایی ظریف و جذاب، همراه با پیچیدگی و ادغام کاربری‌ها و فعالیت‌ها و توجه به همه‌شمولی و قابلیت دسترسی برای همگان مورد توجه قرار می‌گیرند. هدف نهایی، خلق محیط‌های شهری با هویتی مشخص است، محیط‌هایی که ریشه در زمینه تاریخی یا منطقه‌ای خود دارند. اگرچه طراحی کالبدی عرصه عمومی به عنوان محیطی ارگانیک، رنگین، انسان‌گرا و جذاب وظیفه اصلی طراحان شهری است، اما روش‌های متداول در تفکیک بخش‌های مختلف محیط‌های شهری، نشان‌دهنده انفکاک و جدایی حرفه‌های مرتبط با شهر است و برای ساخت و ایجاد مکان‌ها و محیط‌های بهتر، منسجم‌تر و مطلوب‌تر، همه حرفه‌ها باید همکاری کنند، چرا که هیچ یک از حرفه‌های منفرد به تنهایی قادر به تأمین نیازهای گسترده و پیچیده در طراحی شهری نخواهد بود.

#### ۴. حضور در میدان شهر ایرانی - اسلامی

اشاره‌های تاریخی به میدانی ایرانی در نوشته‌های مورخان و جغرافی‌دانان پس از اسلام بسیار فراوان است و نمونه‌های بازمانده از این دسته میداین، مطالعه طرح و عملکرد آن‌ها را ممکن ساخته است. تعریف فضا، شیوه ساختمانی و اجزای معمارانه میدان در ارتباط با تداوم شیوه تولید و ساختار اجتماعی و سیاسی سنتی در شهرهای ایرانی بوده و با تغییراتی مختصر تا ظهور تجدد در ایران دوام یافته است. این دسته از میداین را به خاطر همین تداوم و حضور بی‌وقفه در شهر ایرانی، سنتی می‌خوانیم؛ چرا که میدان سنتی عملکردهای مشخص و الگوی خاص خود را حفظ کرده است. این موارد کمابیش همان ویژگی‌هایی است که در مورد میداین سنتی جهان نیز گفته می‌شود. میدان سنتی، محلی برای انجام مراسم نظامی و قدرت‌نمایی حکومت‌های وقت بوده و عملکردی مشابه با میدان‌های مدرن (که در روزهایی خاص برای رژه نظامیان بکار می‌روند) داشته است؛ یعنی ضمن فراهم آوردن سرگرمی موقتی برای سلطان و اهالی شهر، یادآور اقتدار و توان طبقه حاکمه به عامه مردم نیز بوده است. میداین سنتی در یک یا چند ضلع خود بناهای حکومتی چون قصر و دارالاماره و یا ساختمان‌های مذهبی چون مسجد و تکیه را جا می‌دادند. گاه نیز به لحاظ اهمیت شهری در جوار ابنیه مذهبی موجود، مرقد و یا زیارتگاه ساخته و به میدانی با هویت محلی ویژه تبدیل می‌شدند و اهمیت فضایی دو چندان می‌یافتند (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

آن چه مسلم است و از مطالعه متون کهن حاصل می‌شود، آن است که برای ساکنان شهرهای ایران، میدان عبارت بوده از فضایی فراخ که برای حضور و تجمع آنان طراحی می‌شد و به لحاظ محل استقرار آن اهمیت داشت. میدان همیشه همانند یک گره اجتماعی عمل کرده و انواع کاربری‌ها در مقیاس محله یا شهر و انواع اتفاق‌های سالانه اعم از جشن‌ها و عزاداری‌ها و... در آن رخ می‌داده است. در ضمن میدان، محل تبادل اطلاعات و اخبار روز و به عبارتی مکان تجمع بیشترین ارزش‌های موجود در محله یا شهر بوده که بین افراد مبادله می‌شده است.

میدان به عنوان فضای شهری با غلبه فعالیت‌های بیشتر مقصدی و کم‌تر عبوری و با تناسب‌های کالبدی در یک بازه خاص، ویژگی‌های عام قابل‌ذکری مانند گشادگی نسبت به تناسب‌های هر معبر، محل تقاطع چند معبر، داشتن عملکردی خاص به طور دایم یا در زمان‌های مشخص و احتمال وجود عناصر فیزیکی در مرکز دارد. در فرهنگ و تمدن ایرانی، «فضاهای باز وسیعی که دارای محدوده‌ای محصور یا کمابیش معین بودند و در کنار راه‌ها یا در محل تقاطع آن‌ها قرار داشتند و دارای کارکرد ارتباطی، اجتماعی، تجاری، ورزشی، نظامی و یا ترکیبی از دو یا چند کارکرد مزبور بودند، میدان نامیده می‌شد» (حسین سلطان زاده، ۱۳۸۵: ۸۲). به بیانی دیگر میدان، فضا و مکانی بود با ابعاد منظم یا نامنظم بود که به عنوان محل فعالیت یا فعالیت‌هایی ایفای نقش می‌کرده و نام‌گذاری آن نیز گاهی به فعالیت اصلی میدان منسوب بود؛ مانند میدان مشق، میدان تره بار، میدان بازی و میدان

رزم. پیرامون میدان را نیز به تناسب و متناسب با شخصیت آن، کاربری‌هایی اشغال کرده بودند. به این ترتیب آن چه که معرف میدان بوده، محصوریت و عملکرد اصلی آن و به عبارتی تعریف ابعاد آن توسط عناصری در اطرافش بوده است. علاوه بر آن، میداین فضاهایی سرباز بوده‌اند که عملکرد اصلی آنها در میانه آن‌ها اتفاق می‌افتاد، هر چند که در جداره و زوایای آن نیز امکان انجام فعالیت‌هایی متصور بوده است. به این ترتیب، میدان که مکانی محصور با عناصری خاص است، به نوعی مفهوم «میان» و «محاط» را به ذهن متبادر می‌کند که البته محل برپایی و یا برگزاری فعالیتی نیز هست (دهخدا، ۱۳۷۸).

از جمله اصول و عوامل مؤثر در نحوه استقرار فعالیت‌ها و فضاها در میدان شهرهای ایرانی، عبارتند از همگرایی فعالیت‌های هم نوع و هماهنگ، واگرایی فعالیت‌های ناسازگار، نوع و کارکرد اصلی میدان و نحوه شکل‌یابی میدان که سه موضوع عمده فرم، عملکرد و فعالیت‌های فضای میدان را در ایران مد نظر دارد.

در میدان‌ها نیز مانند راه‌ها، فعالیت‌های هماهنگ و همگون در کنار یکدیگر مستقر می‌شوند. این اصل در گذشته در فضاهای باز میدان جاری بود، به عنوان مثال فروشندگان لوازم و اشیای ارزان قیمت در بخش‌های معینی متمرکز می‌شدند و کسانی که مردم را سرگرم می‌کردند، در محل‌های مخصوص خود جای می‌گرفتند (همگرایی فعالیت‌های هم نوع و هماهنگ). در میداین شهری ایران، فعالیت‌ها و فضاهای ناسازگار، متمایز از یکدیگر جای می‌گیرند و گاهی زمان استقرار آن‌ها متفاوت بود. پس عامل زمان هم در تنظیم روابط میان فعالیت‌های گوناگون و همجواری و یا دوری آن‌ها از یکدیگر مؤثر بود (واگرایی فعالیت‌های ناسازگار). یکی از عوامل مهم و مؤثر در نحوه تنظیم و ترتیب مکان، فعالیت‌های پیرامون یا درون هر میدان بود، به عنوان مثال به ندرت از فضای باز یک میدانچه محلی به صورت دائمی برای خرید و فروش استفاده می‌شد (نوع و کارکرد اصلی میدان). احداث و شکل‌یابی میدان‌ها نیز نقش مؤثری در چگونگی استقرار فعالیت‌ها و فضاها در آن‌ها داشت. در میدان‌هایی که فضاها آن را طراحی و سپس احداث می‌کردند، استقرار فعالیت‌ها و فضاها تابع نظم و سلسله مراتب سنجیده‌ای بود (نحوه شکل‌یابی میدان) (سلطان زاده، ۱۳۸۵: ۱۰۰).

میداین شهری با ویژگی‌های کالبدی خویش، عملکردهای متفاوتی داشته‌اند که اهم آن‌ها را عملکردهای مذهبی، تجاری، حکومتی، نظامی، ارتباطی و ورزشی تشکیل می‌داده است. البته فعالیت‌های فوق در دو مقیاس «شهری» و «محله‌ای» نیز مطرح بوده‌اند. علاوه بر آن عملکردهای جزئی‌تری نیز همچون برپایی مراسم رسمی و مجازات مجرمان نیز برای میدان‌های شهری قابل ذکر هستند که عمدتاً در قالب عملکردهای ششگانه مذکور مستتر هستند. هر یک از این عملکردها که برای میدان‌ها مدنظر باشد، با شدت و ضعف‌های متفاوت، جلوه یا مرتبه‌ای از عملکرد اجتماعی آن‌ها بوده‌اند. حتی عملکرد ارتباطی نیز به جهت غلبه حرکت پیاده و امکان تماس رودرروی انسان‌ها می‌تواند ناظر به مرتبه‌ای از

عملکرد اجتماعی باشد. از میان این عملکردها بارزترین عملکردی که تبعات و اثرات فرهنگی و اجتماعی داشته، عملکرد مذهبی میداین بوده و بسیاری از میداین نیز به دلایل عیدیه‌ای صیغه مذهبی داشته‌اند (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۴-۲۳).

از جمله میداین با کارکرد مذهبی، می‌توان به تکایا اشاره نمود. فضایی که برای برپایی آیین‌های عزاداری امام حسین (ع) بوده‌اند، حسینیه یا تکیه نامیده می‌شده‌اند. این فضاها دارای اهمیت زیادی برای تجلی زیبایی‌شناسی اسلامی در فضاهای باز شهری ایران دارند. یعنی اگرچه زیبایی‌شناسی اسلامی در تمامی فضاهای شهری و معماری جامعه اسلامی امکان بروز و ظهور دارد، اما تکیه و حسینیه به عنوان میداینی ایرانی - اسلامی که ریشه‌های عمیق در اعتقادات مذهبی شیعه دارد، می‌تواند الگویی برای ارائه وجه معنایی زیبایی‌شناسی اسلامی باشند. همان طور که میداینی چون نقش جهان الگویی کالبدی از زیبایی‌شناسی اسلامی در شهر ایرانی است، وجه اصلی حسینیه‌ها و تکایا، وجه نمادین و معنایی آن‌هاست، به نحوی که در این مراسم و در این فضای شهری که گاه با برنامه‌هایی نمایشی - آیینی چون تعزیه تکمیل می‌شوند، در کنار عناصر نمادینی چون نخل، سقاخانه و علم و... و به وسیله آن‌ها و توسط مردم، زمان و مکان در هم نوردیده می‌شوند و مردم با یکدیگر و با زمان و مکان متحد می‌شوند (امین زاده، ۱۳۷۸). مردم با حضور در این فضاها به یاد آن زمان، مکان و واقعه خاص، پیغام همیشگی حق‌طلبی و خداجویی را که پیامد خبر عظیمی است که مسلمانان راستین در طول تاریخ و در گستره جغرافیا شنیده‌اند، به روح و پیکره واحد جامعه بشری متذکر می‌شوند. در این ایام کالبد این میداین مذهبی، با عناصر نمادینی از علم، کتل، سقاخانه و لباس عزاداران شرکت‌کننده در مراسم گرفته تا لباس، شمایل، اسب و میدان تعزیه‌گردان‌ها، مکان تکیه و حسینیه را با زمان بی‌زمان عاشورا از سویی و با مکان بی‌مکان کربلا از سوی دیگر یکی می‌کند.

### نتیجه‌گیری

فضای شهری در ایران علاوه بر خصوصیات عام، دارای خصوصیات در سازماندهی مانند اصل پیوستگی فضایی، اصل هم‌پیوندی واحدهای مسکونی و عناصر شهری، اصل محصور کردن فضا، اصل مقیاس و تناسب، اصل فضاهای متباین، اصل قلمرو و اصل ترکیب هستند (توسلی و بنیادی، ۱۳۷۹). این اصول در کنار اصولی چون مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش و... (پیرنیا، ۱۳۶۹) که اصول معماری ایرانی را تشکیل می‌دهند، نحوه ساخت فضای شهری و بدنه‌های آن و ارتباط اجزای این فضاها با یکدیگر و با فضاهای شهری دیگر را بیان می‌کنند.

در شهرهای ایران، یک فضای شهری مانند میدان، در یک کل بزرگ‌تر و منسجم به نام شهر معنا پیدا می‌کند و این جز هیچ‌وقت انسجام و پیوستگی را مخدوش نمی‌کند (اصل پیوستگی فضایی). خصلت دیگر فضاهای شهری در ایران، اتصال و پیوستگی کالبدی



این فضاها بایکدیگر است (اصل هم پیوندی عناصر شهری). اصل دیگر که در فضاهای شهری خصوصا فضای میدان در ایران مهم است، محصوریت است که از مهم ترین موضوعها در تعریف و شکل دهی به فضای میدان محسوب می شود. در فضاهای شهری ایران و در میدانی آن، اندازه اجزای آن با یکدیگر و اندازه آن فضا در میان سایر فضاهای شهر و در کلیت شهر دارای تناسبها و مقیاس مطلوبی است (اصل مقیاس و تناسب). ایجاد فضاهای متباین در شهرهای ایران اصل دیگری است که مانع ایجاد یکنواختی و کسالت در فضاهای شهری ایران می شده است، این کیفیت از طریق تغییر و تنوع در اندازهها، تناسبها، محصوریت و اجزای فضاهای شهری ایجاد می شده است (اصل فضاهای متباین). اصل مهم دیگر اصل قلمرو و سلسله مراتب فضاهای شهری است، به این معنا که محدوده و قلمروی برای هر فعالیت در نظر گرفته می شده است که در عین حال با توجه به کیفیت فعالیت و رفتار جاری در آن (از جمله میزان عمومی یا خصوصی بودن آن) در ارتباط یا عدم ارتباط با سایر فضاها و قلمروی فضایی آنها قرار می گرفته است. اصل دیگری که آن را برآمده و در ارتباط با اصول پیوستگی و هم پیوندی می توان دانست، اصل ترکیب در فضاهای شهری است که به عنوان یک اصل هنری در تحلیل و ساخت آثار هنری، بیش تر مرتبط با فرم و کالبد و در مورد فضای شهری مرتبط با جداره های آن و ارتباط آن با فضای خالی است. بر اساس این اصل، ایجاد وحدت، یکی از اهداف و روش های خلق هر اثر هنری و فضای شهری موزون و زیبا است.

اما با این اوصاف، امروزه کیفیت فضای شهری تغییرات جدی یافته است. در چند دهه اخیر، فرم، معنا و عملکرد میدانی در شهرهای مختلف همانند سایر وجوه زندگی فردی، اجتماعی و فرم و سیمای شهری، در معرض تحولات سریع و گاه مخرب قرار گرفته اند که از مخرب ترین و تاثیر گذارترین آن ها ورود اتومبیل و طراحی شهرها بر اساس نفوذ حداکثری آن ها به فضای شهرهاست. این در حالی است که اگرچه فرم و معنای کنونی میدانی در شهرها تغییر یافته است، اما معنا و توقع ذهنی که مردم از آن ها دارند بیش تر با فرم و کارکرد گذشته چنین فضاهایی همخوانی دارد. این بار معنایی سبب تمرکز فعالیتها و کارکردهای گاه مغایر باهم در فضای میدان است که خود به دلیل ارزش آن در نظر سواره و پیاده، طراح و مدیر و... است.

ارائه روش و راهبرد برای امر چند وجهی همچون میدان، کار دشواری است که پس از غور و جستجو، تأمل و احتیاط را باید همراه خود داشته باشد. میدان شهری از سویی فضایی فراخ در کالبد شهر و ذهنیت مردم را اشغال می کند و از سوی دیگر مهم ترین ظرف و فضا برای تعاملات و کارکردهای اجتماعی و جمعی حال و آینده مردم است. در ایران اگرچه میدان به معنایی که در غرب مدنظر است و کارکردهای ویژه ای برای آن متصور است، شاید کم تر ظهور داشته، اما وجود فضاهای شهری همچون میدانی محله ای، میدانی حکومتی، تکایا و حتی چارسوق و ... و نمونه هایی چون میدان نقش جهان، نمونه ایرانی میدان در شهرهای ایرانی را نشان می دهند.

## فهرست منابع و مراجع

۱. ابراهیمی، محمد حسن (۱۳۸۸)، میدان؛ «**فضاهای تعریف نشده شهرهای ایرانی**»، نشریه هویت شهر، سال سوم، شماره ۴، بهار و تابستان.
۲. امین زاده، بهناز (۱۳۷۸)، «**حسینیه ها و تکایا بیانی از هویت شهرهای ایرانی**»، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۶، زمستان.
۳. پارسی، حمید رضا (۱۳۸۱)، «**شناخت محتوای فضای شهری**»، فصلنامه هنرهای زیبا، تهران، ش ۱۱.
۴. پاکزاد، جهان شاه (۱۳۸۶)، **راهنمای طراحی فضاهای شهری**، شهیدی، تهران.
۵. پاکزاد، جهان شاه (۱۳۸۴)، **مبانی نظری و فرایند طراحی شهری**، شهیدی، تهران.
۶. بیرنیا، محمد کریم (۱۳۶۹)، **شیوه های معماری ایرانی**، تدوین غلامحسین معماریان، موسسه نشر هنر اسلامی، تهران.
۷. توسلی، محمود (۱۳۶۶)، **معماری ایران: دوره اسلامی - بخش حسینیه ها، تکایا و مصلی ها**، جهاد دانشگاهی، تهران.
۸. توسلی و بنیادی (۱۳۷۹)، **طراحی فضای شهری: فضاهای شهری و جایگاه آنها در زندگی و سیمای شهری**، شهیدی، تهران.
۹. تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۷)، **شهرسازی شهروندگرا: ارتقاء عرصه های همگانی و محیط های شهری**، ترجمه محمد احمدی نژاد، خاک، تهران.
۱۰. حبیبی، محسن و مقصودی، ملیحه (۱۳۸۲)، **مرمت شهری: تعاریف، نظریه ها، تجارب، منشورها و قطع نامه های جهانی**، روشها و اقدامات شهری، دانشگاه تهران، تهران.
۱۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۸)، **لغتنامه دهخدا**، دانشگاه تهران، تهران.
۱۲. سلطان زاده، حسین (۱۳۸۵)، **فضاهای شهری در بافت های تاریخی ایران**، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران.
۱۳. شسوی، فرانسواز، شهرسازی (۱۳۸۴)، **تخیلات و واقعیات**، ترجمه سید محسن حبیبی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۴. فلسفی، نصراله (۱۳۵۲)، **زندگی شاه عباس اول**، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۵. کنیرش، ورگن (۱۳۸۸)، **میدان های شهری: معماری و طراحی فضاهای باز**، ترجمه فریدون قریب، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۶. گلکار، کورش (۱۳۷۸)، **کندوکاوی در تعریف طراحی شهری**، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
۱۷. لنگ، جان (۱۳۸۸)، **آفرینش نظریه در معماری** (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)، ترجمه علیرضا عینی فر، دانشگاه تهران، تهران.
۱۸. مدنی پور، علی (۱۳۸۴)، **طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرایندی اجتماعی و مکانی**، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.

۱۹. نقی زاده، محمد (۱۳۸۹)، *تحلیل و طراحی فضای شهری* (مبانی، تعاریف، معیارها و شیوه‌ها)، پژوهشکده فرهنگ و هنر و سازمان انتشارات جهاددانشگاهی، تهران.

۲۰. نقی زاده، محمد (۱۳۸۵)، «*تاملی در روند دگرگونی میدان در شهرهای ایرانی*»، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۲۵، بهار.

21. Florida, Richard (2005), *Cities and the Creative Class*, Routledge.

22. Gehl, Jan (1978), *Life Between Buildings: Using Public Space*, Island Press.

23. Lynch, Kevin (1960), *The Image of the City*, Cambridge, MIT Press.

24. Trancik, Roger (1986) , *Finding Lost Space: Theories of Urban Design*, Wiley.

25. Zuker, Paul (1970), *Town and Square: From the Agora to the Village Green*, Cambridge, MIT Press.